

خوش خط

شماره بیست و پنجم
اردیبهشت ۱۴۰۰



مَدَنی و اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَائِرِ الْمُرْسَلِينَ

خورشید عدالت

امیرمومنان حضرت علی (ع) ، به عنوان یک شخصیت قرآنی و نبوی که دست پرورده قرآن و پیغمبر اکرم(ص) بودند ، به علت شدت عدالت برآمده از دینداریشان ، در محراب عبادت به شهادت رسیدند .

«پشان را عدالتشان به شهادت رساند یا ضعف بصیرت مردم » . روز ضربت خوردن حضرت علی(ع)، روز ضربت خوردن مظهر پاکی، تقوا، قرآن مجسم و ناطق خداوند در محراب عبادت است.

حضرت علی(ع) نخستین پیشوای شیعیان و مظهر رستگاری است که در محراب عبادت، هدف کینه منافقان قرار گرفتند و در هنگام فرود آمدن شمشیر جهل بر فرق مبارکشان فرمودند : «به پروردگار کعبه که رستگار شدم» . این موضوع نشان از روح معنوی و ملکوتی ایشان دارد و همزمانی عروج مولای متقیان با لیالی قدر، بیانگر تقرب و اخلاص این امام مقتدر است.

امیرالمومنین علیه السلام در کلامی در مورد اقسام عبادت کنندگان چنین می فرماید: «مردمی، خدا را به امید بخشش پرستند؛ این پرستش بازرگانان است. گروهی او را از روی ترس عبادت می کنند؛ این عبادت بردگان است. اما عده ای وی را برای سپاس و شکرگزاری می پرستند؛ این پرستش آزادگان است.»

مخفی بودن مزار امام علی(ع) بعد از شهادتش نشان از مظلومیت ایشان دارد و شاید جورج جرداق دلیل این مظلومیت را تا حدودی بیان می کند. **«قَتِلَ عَلِيٌّ فِي مَحْرَابٍ عِبَادَتِهِ لِيَشِدَّ عَذَابُهُ؛ عَلِيٌّ(ع) در محراب عبادت خویش قربانی عدالتش گردید.»** حضرت علی(ع) به شهادت رسیدند برای این که عادل بودند و جامعه تحمل اجرای عدالت علوی و الهی را نداشت.

خانم فاضلیان

علی برای عالم

حضرت مولی الموحدين
امام المتقين؛ اسدالله الغايب
آقا علی بن ابی طالب

در روز جمعه ۱۳ رجب در سال ۴۰م عام الفیل در مکه معظمه به عالم معنا دادند. هنگامی که فاطمه (بنت اسد) سلام الله علیها گرفتار درد شد، راه مسجد الحرام را در پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و گفت: پروردگارا! به کتاب ها و پیامبرانی که از سوی تو نازل شده ایمان دارم.

خداوند به پاس احترام کسی که این خانه را بنا ساخت ، به حق کودکی که در رحم من است ؛ تولد این کودک را بر من آسان فرما...

و پس از چندی دیوار جنوب شرقی در برابر دیدگانش شکافته شد و مادر مولایمان به آن ورود یافتند.

این گونه بود که از آدم تا پیامبر عظیم الشان ماموریت یافتند تا شریف ترین مکان گیتی را برای مهمانی حیدر کرار آماده کنند.

در تمام ماه های سال :رمضان
در بهترین اوقات روز: سحر
از بهترین نماز های پنجگانه: نماز صبح
از بهترین حالات نماز: سجده بود که خداوند سبحان پر و بالی به علی علیه السلام بخشید.

می بینی بهترین ها همیشه از آن علی بوده است
جز این است که دلیل آفرینش همه ی عالم بوده است؟
خدا یک علی داشت، آن هم امام ما شد...

خانم اسدی

ابر مرد میدان

یکی از بزرگترین حوادث تاریخ مسلمانان که در راه تغییر مسیر اسلام روی داد ، شهادت حضرت علی علیه السلام بود. با شهادت آن بزرگوار، اسلام نگهبان دلسوز و یگانه حامی واقعی خود را از دست داد و مسلمانان، از برکت وجود پیشوایی محبوب، زمامداری عادل، امامی عالم، رهبری رؤوف و مهربان محروم شدند، و امواج بلایا و فتنه ها از هر سو آنها را احاطه کرد.

امام علی علیه السلام در سحرگاه نوزدهم ماه مبارک رمضان سال چهلیم هجری با توطئه خوارج و به دست ابن ملجم مرادی ملعون در مسجد کوفه مجروح، و در شب بیست و یکم ماه رمضان به شهادت رسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این امام بزرگوار را از این واقعه شوم خبر داده بودند .

ضربت «ابن ملجم مرادی» ضربتی بود که بر پیکر اسلام، عدالت، حرّیت و فضیلت و بر پیکر تمام اهداف عالی انسانی وارد شد.

بیست و یکم ماه رمضان مصادف است با سالروز شهادت ابرمردی که برای آمدنش خانه خدا شکافت و برای رفتن این اولین عاشق اسلام، فرق مبارکش را براساس کینه و عداوت شکافتند تا اولین شهید محراب شود و در بهترین لحظه و مکان بر روی زمین دعوت حق را لبیک گوید.

"فَرَزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ" را بر زبان جاری کرد زیرا به زودی از دست جماعتی دورو و نالایق رهایی یافته و به سوی پروردگاری رؤوف می شتافت. اما برای شیفتگان خود عالم را در غمی عظیم فرو برد ، برای کسانی که عشق ، مروت و مردانگی را از ایشان آموخته بودند این حادثه بسیار تلخ و ناگوار بود.

درباره ی شهادت ایشان در کتب مختلف و از زبان بزرگان نقل شده است که ؛ این بزرگوار چند روز قبل از شهادت برای فرزند ارشد خود ، امام حسن (ع)، نامه ای وصیت گونه نوشتند با این مضمون که :

با یاد خدا خودسازی کنید و به حوادث روزگار توجه داشته باشید ، دائما به یاد مرگ باشید و از رسیدن به آن هرگز نهراسید ، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی اصلی ماست ، توکل به خدا را در لحظه لحظه های زندگی تان از یاد نبرید و در نهایت، آستانه ی تحملتان را در برابر سختی ها و مشکلات زندگی بالا ببرید.

خانم سیدی

علی در محراب بندگی

به راستی علی کیست؟؟

علی خیرشکن...

علی فاتح...

اوست که قدرتمند ترین مخلوق در نظر خالق است...

ارجمندترین مرد در نظر فاطمه...

و پهلوان ترین پدر در نظر تمام فرزندان خویش ...

اما تواضعش ستودنیست...

غرق در خالق شده و محو در جمال یار

به همان روز سوگند؛ روزی که در حال نماز بود و تیر را از پایش کشیدند...

همان روزی که درد را احساس نکرد و عبادتش را ادامه داد...

به همان روز قسم؛ روزی که مرغابی های خانه جلویش را می گرفتند تا نرود

که دلش قرار نداشت... دلتنگ فاطمه اش بود...

او وعده دیدار داشت با محبوب به هنگام اقامه نماز ...

باید نماز را می خواند و به دیدار می رسید.

در همان حوالی نماز صبح... به حکم همان شمشیر زهرآگین و محرابی که غرق به خون شد... همان محرابی که علی به ملاقات پروردگارش رفته بود.

خانم نودهی

یلدای روح

هر غروب، خورشید می رود و شب می آید.
اما از میان همه این شبها، تنها یک شب است که از هزار شب بهتر است
و از آسمانش وحی و فرشته و برکت و اجابت می بارد.
امشب، شب میهمانی رازها است.
چگونه خواب، سرزمین چشم‌هایم را فتح کند، وقتی که به استقبالِ واژگانِ
نور می روند؟!
امشب پنجره‌ها ستاره می چینند.
تا جوشن کبیر، با تمام عظمتش آغاز شود، باران خواهد گرفت.
امشب، شب یلدای روح است؛ یلدایی که مقیاسش زمینی نیست.
یلدایی که هیچ یلدایی به ارزش یک ساعت آن هم نمی رسد حال آنکه
هم وزن هزار ماه است.
امشب، تمام فرشتگان آسمان، با کسی که قرار زمین است وعده دیدار
دارند.
چه بزمی است در زمین و چه شوری است در آسمان و نردبام دعا چقدر
شلوغ است!
دست‌ها چنان مزارع آفتابگردان، بلند شده اند و کهکشان‌ها را می کاوند.
خاک، به شدت به افلاک نزدیک است و الغوث الغوث، پروانه پروانه از روی
انگشت‌ها به سوی حضرت دوست پر می زند.
دهان‌ها بوی ذکر می دهند و «کلیدهای بهشت» همه جا پخش شده اند.
و «مفاتیح الجنان» قدر دانستنِ زمان را آسان می کند!
آری.. شب قدر، شب نور، شب نزول قرآن، سرآغاز نیکی‌ها و سعادت و
برکات است.
شب قدر، شب دمیدن روح در کالبد زمان است.
شب زیباترین جلوه‌های معنوی خداوند..
شب نزول بارانِ رحمتِ حق بر جانِ زمان..
شب قدر، شب راز بندگیست.
شب تعیین سرنوشت آدمی..
شب نزدیک ترین جاده ملک به ملکوت و خاک به افلاک..
شب زمزمه آوای ایمان، در گوش جانِ انسان..
براستی
اگر شبها همه قدر بودی،
شب قدر، بی قدر بودی..

خانم چوپانی

محراب خونین

امام علی(ع) در آخرین ماه رمضان زندگی پربرکتش، پیوسته از شهادت
خویش خبر می‌دادند .
ایشان در ابتدای این ماه فرمودند : ماه رمضان فرا رسید و آن سرور ماه
هاست در این ماه در وضع حکومت دگرگونی پدید می‌آید. آگاه باشید که
شما در این سال در یک صف بدون امیر حج خواهید کرد و نشانه‌اش این
است که من در میان شما نیستم.
حتی در یکی از روزهای میانی ماه، هنگامی که بر فراز منبر بودند ، دست
به محاسن شریف خویش کشیدند و فرمودند : «شقی‌ترین مردم این موها
را با خون سرم رنگین خواهد کرد».
نقل شده است که در این ماه، امام (ع) هر شب در خانه ی یکی از فرزندان
خویش افطار می نمودند و بیش از سه لقمه طعام نمی خوردند .
و درباره سبب این کار می فرمودند : امر خدا نزدیک شده است یک شب
یا دو شب بیش نمانده است، می خواهیم چون به رحمت حق واصل شوم
شکم من از طعام پر نباشد.
همچنین، در شب ضربت خوردن ، برای نماز شب به مسجد نیامده و در
تمام آن شب بیدار بودند و به عبادت حق تعالی مشغول بودند .بانو ام
کلثوم سلام الله علیها پرسیدند : یا امیر المؤمنین سبب بیداری و بی تاب‌ی
شما چیست؟ امام فرمود: در صبح این شب شهید خواهم شد. بانو ام کلثوم
گفتند : پدر ، امشب شخص دیگری را برای نماز به مسجد بفرستید . امام
فرمود: دخترم از قضای الهی نمی توان گریخت.
هنگام اقامه ی نماز صبح بود که شمشیری از عداوت، فرق مولی الموحدين
را شکافت. آنگاه، امام حسن و امام حسین (ع) با اندوه زیاد نزد پدر آمدند.
امیر المؤمنین (ع) امام حسن (ع) را به جای خود گذاشتند که با مردم نماز
گزارد و خود با وجود زخم عمیقی که در سر داشتند نمازشان را نشسته
تمام کردند...
بر اساس روایات، امام علی(ع) درباره چگونگی غسل، کفن، نماز و تدفین
خود، سفارش‌هایی به فرزندان‌شان کردند .همچنین از امام حسن(ع) و امام
حسین(ع) خواستند تا اگر بر اثر ضربت ابن ملجم درگذشتند ، برای
قصاص تنها یک ضربت به او بزنند. ایشان ضمن تأکید بر توجه به قرآن،
نماز، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در راه خدا و خالی نگذاشتن خانه
خدا، فرزندان خویش را به ترس از خدا، نظم در کارها و آشتی با یکدیگر
توصیه کردند و از آنها خواستند به حقوق یتیمان و همسایگان توجه کنند.

خانم حسینی نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم
هدیه‌ای از سوی امام

از یاد نبرده ایم

و اگر دشمنه در نیام کردی نه آنکه نفاق در لباس تقوا برایت ناشناخته باشد که تو، خود، میزان حق و باطلی.
و نه آنکه کثرت عدو و قلت ناصر تو را لرزانده باشد که اسدالله را در قیاس گرگ صفتان نشاندن جفاست.

ای صف درنده ی سپاه کفر! سبب سکوت تو بر ما پوشیده نیست.
ما می دانیم تو قلب کعبه ای. و کی و کجا دیده اند کعبه به طواف حاجیان رود؟!
و اگر مردمی بر حجر الشیطان مُحرم شوند، چگونه می توان به رمی جمراتشان خواند؟!
ای معنا بخشیده به جهاد، ای آموزگار حسین!

قسم به فریاد فزت و رب الکعبه ی تو که قرن هاست سربازانت فوز اکبر را در راه تو و فرزندان تو می جویند و خنجرهای آخته شان بر گردن رذالت و ضلالت است.
و سینه هاشان در برابر بردگان دینار و درهم استوار مانده و پاکشان نیست اگر فرقی شکافته شود و به خون خضاب شوند. آنان مجسمه هاشان را به خدا سپارده و با تو، پیمان جانبازی بسته اند.
و قسم به هیبت نامت ای حیدر کرار! که ما جهاد را دری از درهای بهشت می بینیم و نامت را فاتح تمام در و دژهای تسخیرناپذیر...

خانم گریوانی

قسم به حلم تو، در آن ساعت که روبه صفتان غل و زنجیر به دست و گردنت انداخته بودند و نامردمان به خاک و خون نشستن یگانه سربازت را نظاره می کردند! که ما صدای جبرائیل را هنوز از یاد نبرده ایم؛ وقتی در شکوه احد صلا می زد: نه هیچ جوانمردی چو علیست و نه هیچ شمشیری چون ذوالفقار.
قسم به صبر تو، آنگاه که در ظلمات شب تابوتی از نور را به خاک سرد صحرا می سپاردی! که ما هنوز رسول خدا را ایستاده بر در خانه شما می بینیم که دست بر سینه بر اهل بیت خویش درود می فرستد.
قسم به مظلومیت تو، آن هنگام که شنیدی کسی گفت پسر ابوطالب جنگیدن نمی داند! ما هنوز خوف دشمنان در میادین را می بینیم که تو هر سو می رفتی، فرشته ی موت همراهت بود و آماده ستاندن جان کفار.
قسم به نام تو ای ابوتراب! هنوز نسیمی، صدای مناجات تو در لیلۃ المبیت را به گوش ما می رساند و تاریخ گواهی می دهد آنکس که یک دست در اخوت رسول و دستی دیگر در اخوت جهاد دارد، هرگز از خصم نهراسید و هرگز بر بندگی و طاعت حق پشت نکرد.

نرو علی جان...

انگار صدای آشنائی از درون خانه به گوش می رسید... ولی مدتها پیش تنها همدم و رفیق زندگی اش را از دست داده بود.
روز ها یکی از پس دیگری گذشتند ...
روزهایی که از شدت دلتنگی گریه کنان به دیوار خانه تکیه می زد و یکی از صاحبش زیر بغلش را می گرفت تا از شدت بیجالی روی زمین نیفتد.
صدای الله اکبر دمدمه های صبح چه زیباست ...
قدم زنان سمت مسجد می رفت

+ فزت و رب الکعبه. ...
به خدای کعبه رستگار شدم
هنگامی که غرق در خون شده است با لبهای بیجاننش آیه ی ۵۵ سوره طه را تلاوت می کند ، شاید با چشمانی گریان ...
شما را از خاک آفریدیم و در آن بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرونشان می آوریم
شهر کوفه چه بیرحمانه امام و مولای خودش را غرق در خون تماشا می کند شهری که روزی فرزندان معصومش را در آغوش خون می کشید.
۲۵ سال او را خانه نشین کردند و او بی هیچ طمع برای حکومت از دلتنگی همسرش فاطمه سلام الله علیها، شبانه سر در چاه اشک می ریخت ...
چه کسی درد بزرگی را که با دیدن مردم گمراه در قلب مولایمان علی علیه السلام می نشست را می دید ؟
چه کسی توانست تلاش او را برای برقراری عدالت و برابری در جامعه اسلامی به درستی درک کند
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
مولایمان حتی در آخرین لحظات عمر به فکر بخشش قاتل خویش بود و چه مظلومانه از میان فرزندانانش رفت و چه تیره بختانه سایه ایشان از روی سر شیعیانشان کم شد ...

خانم گوهری

+نرو علی جان...

درب مسجد را باز می کند

آماده ی اقامه نماز صبح می شود

+ الله اکبر...سبحان ربی ال.....

ذکر را تمام کرده یا نکرده شمشیر تیزی بر فرق سرش می نشیند...

دل تنگش فاطمه را طلب می کند...

فَزَتْ وَ رَبَّ الْكَعْبَةِ



تربیت فرزند به سبک آب الائمه

نظام و سیره تربیت فرزند امام علی (ع) منبعی جامع و کامل برای بهره‌گیری والدین در همه‌ی اعصار بوده که گذشت زمان رهنمودهای ایشان را کهنه نکرده است.

عوامل موثر در تربیت فرزند از منظر ایشان به طور کلی به دو دسته‌ی وراثتی و محیطی تقسیم می‌شود: عامل اول حاکی از دریافت بعضی صفات و خلیقات توسط فرزند از طریق انتقال وراثت است. که خود دلیلی مستحکم بر ضرورت انتخاب همسر مناسب و شایسته می‌باشد.

عامل دوم به مواردی مانند دوستان، همسایگان و گروه‌ها و انجمن‌هایی که فرزند به عضویت آن‌ها درمی‌آید، اشاره می‌کند. والدین نقش مهمی در دوست یابی فرزندشان دارند، هم‌چنین بر آنان الزامیست که مجالس نامطلوب و در مظان بدی را به فرزند خود شناسانده و گوشزد نمایند تا از این‌گونه محافل حذر کند. امام علی (ع) در این باره خطاب به امام حسن (ع) فرمودند: «قبل از پرسش از راه و مسیر، از رفیق و همراهت پرسش نما».

در ادامه محورهایی از اصول تربیتی حضرت علی (ع) ذکر می‌شود.

- دغدغه تربیت فرزند: ایشان در سن شصت سالگی، وقتی در حال بازگشت از جنگ صفین بودند، در میانه‌ی راه نامه‌ی سی و یک نهج‌البلاغه را نگاشتند که حاوی راهکارهای تربیتی حضرت، به امام حسن (ع) است. این عمل، یک مصداق بارز برای دغدغه‌مندی امام علی (ع) می‌باشد.

متأسفانه امروزه والدین سهم اعظم زمان خود را صرف اشتغال و درآمدزایی کرده، لذا مسئله‌ی فرزندپروری برایشان در حاشیه قرار گرفته است.

سخن سقراط قبل از محاکمه قابل تأمل است که گفت: «...چرا با این حرص و ولع بهترین سال‌های زندگی خود را به جمع‌آوری ثروت می‌گذرانید، در حالی که آن‌گونه که باید و شاید، به تعلیم فرزندان‌تان همت نمی‌کنید؛ فرزندان‌ی که مجبور خواهید شد، ثروت خود را برای آن‌ها بگذارید.»

- شتاب در تربیت: امام علی (ع) معتقد بودند هرچه فرزند سن کمتری داشته و در دوران کودکی، نوجوانی و یا حتی جوانی باشد، تربیت و آموزش وی آسان تر خواهد بود. در مقابل با نزدیک شدن به دوره‌ی میان‌سالی، عادت‌ها و کردارهای ناشایست به سختی تغییر می‌یابند. همان‌طور که سعدی نقل می‌کند: «آنکه در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست»

بخشی از کلام امام علی (ع) در این باره خطاب به فرزند خود: «قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد.»

- برقراری رابطه‌ی عاطفی با فرزند: از آن جهت حائز اهمیت است که با جریان داشتن محبت والدین به فرزند، خودباوری و اعتمادبه‌نفس در او شکل خواهد گرفت. حضرت علی (ع) در نامه، فرزند خویش را با لفظ مهربان «بَنِّی» خوانده و در بخش دیگری او را «کل وجود خویش» برشمرده است.

از دیگر محورها می‌توان به: جلب اعتماد فرزند مبنی بر آگاهی والدین، رعایت مساوات بین فرزندان و عدم جانب‌داری، تربیت همه‌جانبه و توجه به نیازهای مادی و معنوی و تربیت فرزند برای زمان آینده نه حال، اشاره کرد.

و اما چهار شیوه‌ی تربیتی ایشان شامل: محبت، احترام به شخصیت، تشویق و تنبیه و الگویی است.

مجموعاً می‌توان اظهار کرد که به‌کارگیری سیره‌ی تربیتی امام علی (ع) با عنایت به پیشرو بودن حضرت در نکات تربیت فرزند، می‌تواند موجب پرورش شهروندان اندیشه‌ورز و بارز از نظر شخصیتی گردد. به علاوه این‌که جنبه‌ی دینی نیز به بهترین وجه شکل گرفته و سبب دست یازیدن به سعادت خواهد شد.

خانم اسماعیلی

نور نهج البلاغه

امیر المومنین حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «و عدل بر چهار شعبه است: بر فهمی ژرف نگرنده و دانشی پی به حقیقت برنده و نیکو داوری فرمودن و در بردباری استوار بودن.»

رعایت عدالت بر هر انسانی واجب است و اگر غیر آن عمل کند، در حق خود یا دیگران ستم کرده است، چرا که حقی به صاحب حق تعلق نگرفته، یا کاری به موقع انجام نیافته است. جود و بخشش از فضیلت‌های انسانی است که در ردیف مستحبات قرار می‌گیرد، اما وقتی از امام علی علیه السلام سؤال شد که کدام یک از عدل و جود برتر است، امام علیه السلام فرمود:

«عدالت کارها را بدان جا می‌نهد که باید و بخشش، آن را از جایش برون نماید. عدالت تدبیر کننده‌ای است به سود همگان و بخشش به سود خاصگان. پس عدل شریفت‌ر و بافضیلت‌تر است.»

حضرت علی علیه السلام عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت» و «بالاترین موهبت الهی» می‌دانند و آن را «مأنوس خلاق» و رعایت آن را موجب «افزایش برکات» ذکر می‌فرمایند. به نظر آن حضرت، جوهره و هسته اصلی ایمان، عدالت است و تمام نیکوییها از آن سرچشمه می‌گیرند. به اعتقاد حضرت علی علیه السلام ملاک حکمرانی، عدل است و عدالت محکمترین اساس و بنیانی است که در نظام اجتماعی وجود دارد. خداوند متعال عدالت را سبب قوام امور زندگانی مردم قرار داده تا از ظلم، ناپساامانی و گناه درامان بمانند و احکام و قوانین به وسیله عدالت احیا، و اجرا گردند. حضرت علی علیه السلام بهترین نوع سیاست و حکومت را نوع مبتنی بر عدل دانسته و انتظام امور نظام سیاسی و مردم را به عدالت منوط کرده اند، می‌فرمایند:

«تحقیقاً بهترین چیز نور چشم برای حاکمان، اقامه عدالت است و ظهور محبت مردم را به دنبال دارد و به درستی که محبت مردم ظاهر نمی‌شود، مگر به سلامت سینه هایشان به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان.

حضرت علی(ع) دورنمای عدالت در یک مجموعه بشری به نام جامعه را این گونه بیان می فرمایند:

«حالی که مردم را حاکمی باید نیکوکردار یا تبهکار، تا در حکومت او مرد با ایمان کار خویش کند و کافر بهره خود برد، تا آن گاه که وعده حق فرارسد و مدت هر دو در رسد. در سایه حکومت او مال دیوانی فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند و راه ها را ایمن سازند و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند، تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبهکار در امان ماند.»

بدین سان امام علیه السلام به بنای یک ساز و کار سیاسی مبتنی بر عدالت پرداختند و به خوبی هم از عهده آن برآمدند. اگر چه نتوانستند در سطح جامعه و مردم، توفیقات زیادی به دست آورند .

خانم فاضلیان

عبداللہ علیہ السلام

حسینیہ مجازی ما

@Almahdi_UBB
@Almahdi_UBB

همکاران ما در این شماره

خانم ها: اسماعیلی، اسدی، نودهی،
چوپانی، فاضلیان، سیدی، گریوانی، گوهری
و حسینی نژاد

صاحب امتیاز:

هیأت دانشجوئی المهدی(عج)
مدیر مسئول: خانم بارانی
سر دبیر: خانم گریوانی

مشخصات نشریه



هیئت دانشجوئی
المهدی(عج)
نشریه
خط روشن